

## بازسازی هویت ایرانی در سایه تاریخ، دین و فرهنگ

احمد رحیم زاده<sup>۱</sup>، عباس رهبری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مدرس کردستان، ایران

<sup>۲</sup> دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مدرس کردستان، ایران

### چکیده

هویت سابقه ای به درازای عمر بشریت دارد و در طول تاریخ همواره مورد اختلاف نظر علما و اندیشمندان بوده است. اما آنچه که مهم است فراموشی و خسران هویت از بزرگترین دغدغه های جامعه امروزی است و آنچه می تواند سبب جلوگیری از این خسران شود سعی در بازیابی و بازسازی هویت است. هویت ملی و ایرانی نیز که همواره تحت تاثیر عوامل گوناگون بوده است به دلیل قدمت آن می بایست که از زمینه های مختلف مورد بازنگری و بازیابی و بازسازی قرار بگیرد. در این مقاله که به شیوه مروری تدوین شده است در پی آنیم تا با مرور تاریخ و بررسی و واکاوی منابع تاریخی و دینی و فرهنگ ملی نقش آنان را در بازسازی این هویت ملی ایرانی بیان کنیم. در روش تاریخی با مطالعه آثار و متون و سایر منابع و در گرایش دینی آنچه همواره مورد اهمیت دین و هویت بوده، سازگاری این دو با هم چه قبل و چه بعد از اسلام بوده است و فرهنگ نیز که همواره خود زاده و والده ی هویت محسوب می شود، می تواند نقش چشمگیری را در بازسازی و ارتقا هویت ایفا کند.

واژه های کلیدی: هویت ایرانی، تاریخ، فرهنگ، دین.

## مقدمه

مقوله ای به نام هویت سابقه ای به بلندای تاریخ بشریت دارد. از آن زمان که انسان احساس کرد باید به کیستی و چیستی خود و این سوال که من کیستم و یا چه کسی هستم؟ پاسخ بدهد مقوله هویت شکل گرفت. بر مبنای تعریف اجتماعی از هویت انسان بدون راهی برای دانستن اینکه دیگران کیستند و بدون درک اینکه خود کیستم غیر قابل تصور است (جنگینز، ۱۳۸۱).

شناخت روند چگونگی خودآگاهی، کیستی و هویت نیازمند بررسی و واکاوی منابع و متون تاریخی و بررسی این مهم در گذر تاریخ است و یکی از مهمترین عرصه هایی که در بازیابی و بازسازی هویت مهم از فردی و اجتماعی و ... به کار می رود تاریخ نگاری است که با دوره ای از گفتمان رسمی حاکمیت، بازتاب روح جامعه و میراث فرهنگی منتقل شده است.

مساله هویت یکی از مهم ترین و اساسی ترین مسائل جهان امروز است، زیرا عاملی که باعث استواری هر ملت و کشوری می شود شناختی است که مردم آن کشور از خود، هویت، موجودیت و جایگاهشان در جهان دارند و بر اساس این شناخت آنچه که مشخص است رویدادها و وقایع تاریخ می توانند تاثیر بسزایی در بازیابی هویت اصلی و نقش اساسی در گفتمان هویت را در سطح کلان ایفا کند. هویت نیز همانند تاریخ مربوط به دهه ی خاصی از زمان نیست بلکه در طول زمان شکل می گیرد که همین امتداد آن سبب کنجکاو و پرسش اولیه انسان درباره ی شناخت خود می شود.

بازنگری روایت های بازمانده، رویدادها و وقایع و سایر موارد از دوره های مختلف تاریخ می تواند فراتر از یک رهیافت نظری در عرصه هویت، در تبیین و توضیح و تعریف هویت ایرانی یا به گونه ای هویت مشترک در یک دوره تاریخی و یا در طول زمان رهگشا باشد.

بازنگری در رویدادها و روایت های گذشته بی شک علاوه بر شناخت در مورد تاریخ و وقایع آن موجبات آشنایی با قومیت ها و نقشی که این قومیت ها در بازسازی و یا تعریف هویت ایرانی داشته اند را فراهم می کند که با تحلیل آنها به خوبی می توان دلایل تحلیل رفتن و یا قوت گرفتن هویت ایرانی را در سایه قومیت در برهه های مختلف تاریخی درک کرد.

در همین راستا به جهت شناخت هرچه بهتر و عمیق تر هویت ایرانی و تبار شناسی آن و همچنین نشان دادن جایگاه و اهمیت دانش تاریخ در روند توسعه و تداوم هویت ایرانی این مقاله به بررسی هویت ایرانی در سایه فرهنگ و تاریخ و تمدن با رویکردی بر نقش و عملکرد قومیت های مختلف در اعصار گذشته در شکل گیری این هویت ایرانی می پردازد.

هویت<sup>۱</sup> از واژه لاتین *Idem* به معنای همان، مشابه مشتق گردیده است (Socioll، ۲۰۰۵). عمومی ترین معنای هویت عبارتند از تعریف خود<sup>۲</sup> در ارتباط با دیگران<sup>۳</sup> (brown، ۱۹۸۵) و در مفهوم کلی به «ظرفیت یک فرد و یا یک گروه برای به رسمیت شناختن و به رسمیت شناخته شدن توسط دیگران (Socioll، ۲۰۰۵)» تعریف شده است.

هویت همواره از طریق تقسیم شدن معنا پیدا می کند. تقسیم این که من چه هستم و دیگری چه هست؟ (تاجکیا، ۱۳۷۶). بر طبق این گفته در حقیقت هویت بیانگر دو وجه متناقض نما است که وجه اول بیانگر تشابه با خودی است و به همین دلیل است که یکدیگر را در گروه های اجتماعی به رسمیت می شناسیم. وجه دوم آن نشان دهنده تفاوت نسبت به دیگران است؛ جنبه ای که ما را اشخاصی منحصر به فرد می کند.

<sup>1</sup> Identity

<sup>2</sup> Self

<sup>3</sup> other

هویت‌ها پیوسته ناخالص و مرکب‌اند و در ارتباط با دیگری شکل می‌گیرد. دیگر فقط نشان‌دهنده تفاوت نیست. نقش دیگر این است که احساسات معطوف به همبستگی را تقویت نموده تا در یک مقایسه نشان داده شود که چقدر از «بیگانگان» برتر هستیم.

برخلاف دیدگاه «جوهرگرایی» که می‌کوشد هویت را امری طبیعی و ثابت نشان دهد باید گفت هویت امری تاریخی و محتمل است. بنا به رویکرد «سازه‌گرایی اجتماعی» هویت چیزی نیست که یکبار و برای همیشه به کسی داده شود بلکه در طول حیات ساخته می‌شود و تغییر پیدا می‌کند (معلوف، ۱۳۸۲).

هویت اجتماعی شخص هیچگاه یک موضوع تمام و حل شده نیست بلکه افراد در طول عمرشان در فرایندهای جاری تعامل اجتماعی و چهارچوب آنها خود و دیگران را تعریف و بازتعریف می‌کنند (جنگینز، ۱۳۸۱). این بدان معنا نیست که هویت امری مقطعی و گذراست بلکه وجوهی از هویت ثابت و در امتداد گذشته است و به مانند یک رودخانه هم تداوم و هم تحول دارد. بدین ترتیب و برخلاف نظریه پست مدرن هویت امری کاملاً سیال هم نیست و در تعریفی کلی می‌توان گفت هویت چیزی است بین بودن و شدن.

### انواع و سطوح هویت

هویت چنانکه ذکر شد در معنای ساده‌اش یعنی ویژگی‌هایی که متمایزکننده‌ی یک فرد از دیگری است. این ویژگی شامل دین، زبان، نژاد، تاریخ، جغرافیا و... است. هویت بیان‌کننده رابطه فرد به صورت صحیح با جامعه است به صورت یک کل. در این معنا در یک تقسیم‌بندی هویت را می‌توان به دو شاخه فردی و جمعی تقسیم کرد (جانسون، ۱۳۸۷).

#### هویت فردی

همان ویژگی‌های منحصر به فرد است که شخص را از دیگران متمایز می‌کند و بیشتر در چهارچوب روابط بین اشخاص شکل می‌گیرد.

#### هویت جمعی

در واقع ویژگی‌های جمعی و گروهی است که یک گروه یا جمع را متمایز از جمع یا گروه دیگر می‌سازد. این هویت در چهارچوب روابط گروهی مطرح است. با این تعریف هویت ملی نوعی هویت جمعی است که در چهارچوب خاصی و در طول زمان‌های متوالی ساخته می‌شود.

#### فرهنگ

فرهنگ مقوله‌ای بسیار گسترده است. از این رو جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، تاریخ‌دانان و... درباره تعریف جامع و کامل از آن اتفاق نظر ندارند و هر یک تعریف خاصی از آن ارائه داده‌اند. در یک تعریف ساده، از فرهنگ به عنوان میراث ملی یاد شده است. یک تعریف دیگر آن است که فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای متضمن معلومات، معتقدات، هنرها، اخلاق، قوانین و... انسان‌ها می‌باشد. فرهنگ عامل سازنده هویت فردی و جمعی جامعه و منشأ سازوکارها و سرمایه‌های مادی و معنوی یک ملت در سیر تکاملی و تاریخی محسوب می‌شود.

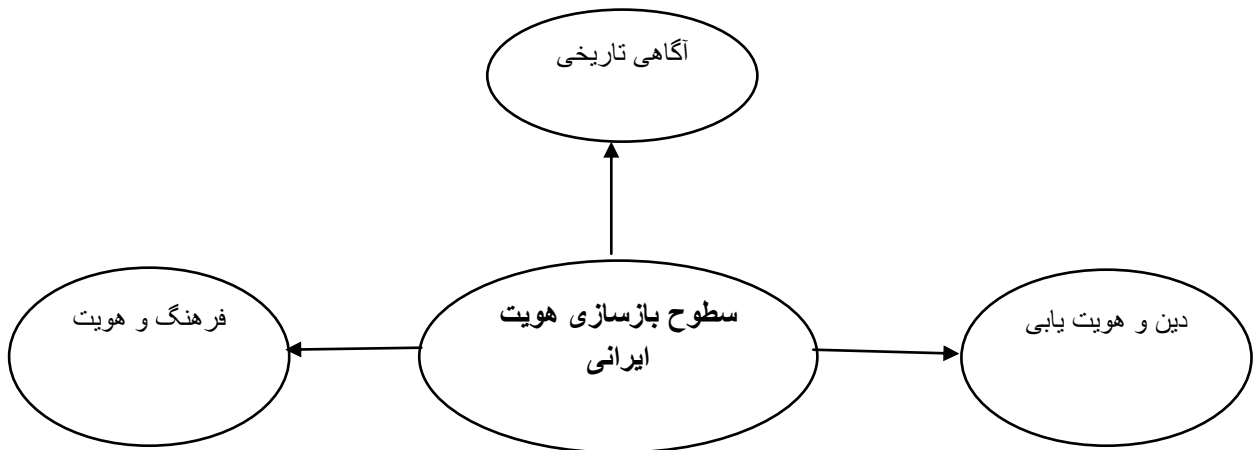
از دیدگاه جامعه‌شناسی، تمامی انسان‌ها دارای فرهنگ هستند. از این رو فرهنگ، امری اجتماعی و مبتنی بر روابط اجتماعی انسان‌هاست و چنین است که فرهنگ برای انسان و جامعه انسانی، امری لازم و حیاتی است و زندگی انسان بدون آن مختل

است. بر اساس نگرش جامعه شناسان غربی فرهنگ مفهومی عام و کلی است که دربرگیرنده تمامی دستاورد های مادی و معنوی شده است. به همین دلیل دین عنصری از عناصر فرهنگی محسوب می شود (رضایی، ۱۳۸۹).

## دین

دین زردتشت در زمره عناصری از ترکیبات هویتی ایران جای می گیرد که در دوره نخستین اسلامی به طور کلی جای خود را به رقیبش، دین اسلام داد. البته این بدان معنا نیست که ایرانیان در حفظ هویت خود هیچ گونه تلاش و کوششی انجام ندادند. بلکه دین کهن کشمکش خود را برای بقا به مدت ۳ قرن با دین جدید ادامه داد. طی قرن ۳ و ۴ به جز نواحی اندکی همچون دیلم و فارس بقیه نواحی ایران دین جدید را پذیرفته و هویت دینی جدیدی کسب کردند.

## سطوح بازیابی و بازسازی هویت ایرانی



## آگاهی تاریخی و نقش آن در بازسازی هویت

بی گمان تحولات تاریخی در شکل دادن به احساس تعلق و وابستگی به یک مجموعه هویتی کاملاً تاثیرگذار است. شکست ها، پیروزی ها و... یک ملت همواره از سوی افراد با احساس قرین دلبستگی است و در شکل دادن به انگاره های جمعی موثر است.

بعد تاریخی هویت ملی عبارت است از، آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن. این احساس نسل های مختلف یک ملت را به هم پیوند می زند. این بعد از هویت را دیویدمیلر به عنوان تداوم تاریخی تعریف می کند که نگاه به گذشته، حال و آینده دارد.

اجتماع ملی تاریخی، مجموعه ای از تعهد ها و وظیفه هاست زیرا نیاکان ما سختی بسیار کشیده اند و خودشان را برای دفاع از این ملت فدا کرده اند. بنابراین ما وارث تعهد برای ادامه راهشان هستیم از این رو بخشی از تعهدات را در مقابل گذشتگان و بخشی از آن را در مقابل آیندگان بر عهده داریم (میلر، ۱۳۸۳).

## آگاهی نسبت به گذشته سه بعد دارد

۱- دانش تاریخی: به معنای آگاهی از حوادث مهم و شخصیت هاست

۲- تعلق خاطر: به معنای وجود احساسات و عواطف مثبت و منفی نسبت به حوادث و شخصیت های مثبت و منفی

۳- اهتمام تاریخی: به معنای اهمیت دادن به وقایع تاریخی (حاجیان، ۱۳۸۰).

یکی از راههای ایجاد حس هویت ملی بویژه در زمان شکست ها پناه بردن به تاریخ و ذکر افتخارات تاریخی است که منظور از تاریخ در اینجا حوادث و وقایع تاریخی، افسانه ها، اسطوره ها به طور کلی خاطرات قومی است که مهمترین منابع ایجاد این آگاهی های تاریخی در میان ایرانیان عبارتند از:

## آثار و ابنیه ها و نمود های عینی باقی مانده از گذشته

آثار و بناهای باقی مانده از ادوار کهن در سراسر ایران پیش چشم همگان بوده و همواره مایه افتخار و مباهات ایرانیان بوده است. آنچه که از مطالعه این آثار به چشم می آید مهم است که ایرانیان به این آثار به عنوان افتخار نگاه می کرده و خواهند کرد و همواره این آثار موجب بالندگی و تذکر شکوه و عظمت ایرانیان در تمامی اعصار و تمامی نسل ها بوده است. نتیجه این که این آثار و ابنیه تاریخی در شناساندن تاریخ و فرهنگ و تمدن ایرانی به خود و دیگری مخصوصا اعراب نقش بارزی را ایفا کرده است.

## روایت و اساطیر و خاطرات ایرانیان

بی شک روایت ها و خاطرات در میان عامه مردم همواره جاری و ساری بوده است تا جایی که جغرافی دانان و ادیبان با سفر به شهر های مختلف داستانهایی را به رشته تحریر درآورده اند که اکثریت قریب به اتفاق آن را از زبان مردمان بازگو می کردند.

دادخواهی ها و حاکمیت عارضه کورش، رشادت ها و دلیری های ایرانیانی نظیر رستم و آرش، رواج علم و فرهنگ در دوره هایی نظیر سامانیان و اشکانیان و جهانبینی ها و سیاست های بزرگانی چون امیرکبیر موجبات تفاخر را در ایرانیان به وجود می آورد و همچنین رذایل اخلاقی چون آقا محمدخان قاجار و... موجبات تنفر از آن ویژگی ها و دوران را فراهم می کند. آنچه که همواره حائز اهمیت است ایرانیان همواره حق خواهی خود را بارها در مثال هایی از کورش کبیر به تصویر می کشند که همین تعمیم ها را می توان بازجستن هویت فراموش شده در تاریخ دانست.

از نظر جنگینز تاریخ و خاطره با وجود این که برخاسته هستند، دو وجه مهم هویت محسوب می شوند با قید این نکته که بر اساس ساختگی بودن به معنای تخیلی بودن آن نیست (جنگینز، ۱۳۸۱).

## منابع مکتوب تاریخی

همان گونه که ذکر شد شاید به جرأت بتوان گفت که بیشترین سهم را این منابع مکتوب در بازجستن و بازسازی هویت ایرانی از لحاظ تاریخی در اختیار دارند. کتیبه های سنگی و سنگ نوشته ها، کتاب های بازماندگان و قوانین مکتوب بیشترین منابع در زمینه آگاهی بخشی تاریخی به شمار می آیند که در آنها از خلق و خوی افراد گرفته تا سایر مباحث سیاسی و نظامی و غیره.

سفرنامه ناصر خسرو را می توان از بزرگترین منابع تاریخی نام برد که بیانگر حالت و اوضاع زمان مشخصی اند. شاهنامه فردوسی، کتیبه حقوق بشر کورش، تاریخ بیبهقی و... از دیگر گرنامه های بازبایی و آشنایی با هویت تاریخی به شمار می آیند.

## دین و هویت یابی

بخش مهمی از برداشت های ما درباره خود و دیگران حاصل اعتقادات و باورهای دینی ماست. دین و مذهب در ایران از این لحاظ قابل توجه است که الهام بخش سایر مولفه های هویتی نیز هست. ایمان به نقش عوامل عینی و ماوراطبیعی در حیات عمومی انسان ها بخش برجسته ای از تاریخ ایرانیان بوده است.

## هویت ایرانی در زمان ظهور اسلام

با ورود دین اسلام به ایران هویت دینی ایرانیان خود را در سازگاری و همراهی با هویت اسلامی قرار می دهد. هرچند هویت ملی نیز کماکان در کنار این عنصر سازنده هویتی به حیات خود ادامه می دهد و بر آن تأثیر می گذارد و تأثیر می گیرد.

یکی از مظاهر حضور دین در اجتماع ایران جنبش های اجتماعی هستند. اگرچه جنبش های اجتماعی می توانند معلول و نشأت گرفته از علت های گوناگون باشند اما در بسیاری از این جنبش ها عامل دین نقش تعیین کننده ای داشته است. یکی از مهمترین نهضت های اجتماعی متکی به دین نهضت تنباکو بوده است که در نتیجه تعارض هویت دینی(اسلامی) با هویت ضد دینی یا استعمار پدید آمد. در این جریان موضع گیری مرجعیت دینی و استقبال مردم از حکم میرزای شیرازی بیانگر وجود زنده هویت اسلامی در جامعه عهد ناصری است و این هویت در موضوع قرارداد رژی فرصت تبلور یافت تا چهره ای از خود در مقابل هویت های غیر دینی نشان دهد. از مثال های دیگر در این زمینه می توان صنعت ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی را نام برد.

## سازگاری هویت ایرانی با اسلام

ایرانیان نوعی سازگاری هوشمندانه میان هویت ایرانی و دین اسلام برقرار ساختند و با ذکر تایخ ایران پیش از اسلام آن را در کنار شرح تحولات تاریخ اسلام مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند. ایرانیان در طول قرن های پیش از اسلام، میان هویت خود(ایرانی) و اعتقاد دینی خود(اسلامیت) سازگاری برقرار ساختند و هیچ گاه یکی از این عناصر را در برابر دیگری قرار ندادند.

## فرهنگ و هویت

اصطلاح فرهنگ در فرهنگ‌نامه‌های مختلف به معنی ادب، عقل، دانش، بزرگی، حکمت، هنر، علم و معرفت آمده است. فرهنگ را در جایگاه علم به معنای نشانه و نمود معنوی رشد و پیشرفت یک جامعه به کار می‌برند. از این نظر فرهنگ خصوصیتی است که یک جامعه در زمان گام برداشتن در مسیر اعتلا کسب می‌کند(گل محمدی، ۱۳۸۱).

در رابطه بین فرهنگ و هویت می توان گفت که؛ هویت ملی بر میراث فرهنگی مشترک یک ملت که توافقی همگانی نسبت به آن دارند، دلالت دارد. این میراث فرهنگی مشترک، مجموعه ای از آثار معماری، شیوه های زندگی، سنت ها، اعیاد، اسطوره ها، نمادها و سمبل ها، عرف، ادبیات شفاهی، هنر های ملی و بومی، لباس، طرز پوشش و عناصری از این دست را شامل می شود. جغرافیا و مولفه های اجتماعی را مهمترین عوامل پیدایش تنوع زبانی دانسته اند. زبان، اساس مطالبات فرهنگی و ابزار توانمند سازی فرهنگ، سیاست و هویت است. از جمله کارکردهای زبان تقویت هویت ملی است. هرچند، نیروهای واگری دیگری نیز باشند. زبان هم محمل اندیشه و تفکر، هم عامل بازشناسی خویشتن خویش و هم عامل آفرینش های ادبی است. زبان هر ملت تنها وسیله سخن گفتن و رفع نیازهای روزانه وی نیست بلکه وسیله اندیشیدن، جهان بینی عمل اجتماعی، هویت اجتماعی و روابط خرد و کلان با یکدیگر و با جهان پیرامون و با زمان های گذشته، حال و آینده است(بایبوردی، ۱۳۹۳).

بحث هویت و هویت جمعی جدا از بحث فرهنگ نیست. خصوصاً در ایران و با توجه به تنوع قومی و وجود خرده فرهنگ های قومی و ملی فرهنگ دربرگیرنده هویت با همان مشخصه های فرهنگی یک جامعه است. لذا سوال و یافتن پاسخی از چیستی و کیستی انسان (هویت) بدون بحث فرهنگی ممکن نیست. به عبارتی دیگر اگر فرهنگ را مجموع اندیشه های مشترک بشری بدانیم، در بستری از تفاوت ها قرار دارد که همین تفاوت های اندیشه ای تفاوت های فرهنگی را به دنبال دارد. لذا هویت ها نیز متفاوت خواهد بود.

بنابراین تفاوت های فرهنگی منجر به تفاوت های هویتی می شود و از سوی دیگر بدون شک تفاوت های هویتی ناشی از تفاوت های فرهنگی است. لذا بحث هویت عین بحث فرهنگ است، چرا که بسیاری از مولفه های هویتی که متمایز کننده یک فرد یا گروه از دیگری است در دل نظام فرهنگی جای گرفته و شکل یافته است.

### بحث و نتیجه گیری

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت؛ عناصر تشکیل دهنده هویت ملی ایران را مجموعه منسجمی تشکیل داده است که به هیچ وجه نمی توان تاثیر و یا تاکید بر یک عنصر بیش از دیگری کرد. آنچه هویت ایرانی را می سازد کل است که ضمن دربرداشتن مجموعه اجزا خود ترکیبی خاص یافته و به جرأت می توان اظهار کرد؛ برای ملت ایران هویت ملی از اهمیت اساسی و حیاتی برخوردار است به طوری که در طول تاریخ هرگاه احساس کرده اند هویت ملی آنان با تهدید مواجه شده به شدت واکنش نشان داده اند.

یکی از مهمترین این تهدیدها را می توان فراموشی و دگرگونی هویت ذکر کرد که همواره ایرانیان را بر آن داشته است تا در صدد بازیابی و بازسازی هویت ملی خود باشند. در این زمینه سطوح مختلفی چون افزایش و ارتقای آگاهی های تاریخی و دینی و فرهنگی نقش بسزایی را در بازسازی هویت ایرانی و ملی ایفا می کند.

آگاهی های تاریخ از طریق منابعی چون آثار و ابنیه ها، روایت و اساطیر و خاطرات و منابع مکتوب تاریخ ملای در بازسازی و بازتعریف هویت ایرانی در گذر زمان دارند. و آنچه مشخص است تحولات تاریخی نقش بارزی را در شکل دادن به هویت ملی ایفا کرده اند که از طریق آگاهی های تاریخی می توان ضمن بازتولید آنها در ارتقا و بازسازی هویت ملی کوشش نمود.

دین چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام همواره جامعه را با هویت های خود همخوان کرده است که از نمونه های آنها می توان به ایجاد هویت ملی اسلامی یا ایرانی اسلامی اشاره کرد.

فرهنگ نیز که خود هم فرزند و هم والد هویت است همواره دربر گیرنده هویت با همان مشخصه های فرهنگی جامعه است. لذا با آشنایی با فرهنگ و تکثیر فرهنگی هویت ایرانی را می توان در تکثیر فرهنگی یافت و به بازسازی آن اقدام کرد.

## منابع و مأخذ

۱. اشرف، احمد (۱۳۸۳). بحران هویت ملی در ایران به کوشش حمید احمدی، هویت، ملیت، قومیت، تهران: تحقیقات و توسعه علوم انسانی
۲. بایبوردی، اسماعیل (۱۳۹۳). جهانی شدن فرهنگ و تاثیر آن بر هویت ملی ایران.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۸۳). ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
۴. تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۶). ملکه نهایی شکل گیری گفتمان های هویت در ایران. نامه پژوهش. ش ۷، سال ۲، تهران
۵. جنگینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی چاپ دوم، ترجمه تورج یار احمدی. تهران: شیرازه.
۶. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰). تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۵، تهران
۷. رضایی، زهره (۱۳۸۹). بررسی تاریخی فرآیند شکل گیری هویت ملی در ایران، فصلنامه
۸. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). هویت ملی و جهانی شدن، تهران: نشر نی، ص ۲۰.
۹. معلوف، امین (۱۳۸۲). هویت های مرگبار، چاپ اول، ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: ققنوس
۱۰. میلر، دیوید (۱۳۸۳). ملیت، ترجمه داود غراباق زندی. تهران: تمدن ایرانی
11. Lovedana. Sciolla, (2005). Identitie, Dictionnaire dela pensee sociologie.
12. Brown, Rupert (1985). Social identity, The science encyclotedia Ed A. Kuper & Jkuper, London, Routledye.